

نقش نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی در تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق

مسلم عباسی^۱، شهریار درگاهی^۲، رضا قاسمی جوبنه^{۳*}

گروه روانشناسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران؛ ^۲دانشجو، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛ ^۳دانشجو، گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۳

چکیده:

زمینه و هدف: تعارضات زناشویی و به طبع آن طلاق در پی عوامل مختلفی رخ می دهد که یکی از آن ها عوامل روان شناختی است؛ بنابراین این پژوهش با هدف بررسی نقش نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی در تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق صورت گرفت.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر همبستگی است. ۱۰۰ نفر از زنان متقاضی طلاق شهر شیراز با استفاده از شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس های نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی و پرسشنامه تعارضات زناشویی پاسخ دادند. در تحلیل داده ها از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که متغیرهای پیش بین می توانند به صورت مثبت و معنی دار تعارضات زناشویی در زنان در معرض طلاق را پیش بینی کنند. بدین ترتیب که در مرحله اول نارسایی هیجانی حدود ۲۳٪ از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می کند و در مرحله بعد با اضافه شدن نارسایی شناختی میزان پیش بینی کنندگی به ۳۲٪ افزایش یافت ($P < 0/01$).

نتیجه گیری: نارسایی های شناختی و هیجانی می تواند یکی از دلایل تعارضات زناشویی در زنان در معرض طلاق باشد، بنابراین آموزش مهارت هایی از این قبیل برای ازدواج امری ضروری است.

واژه های کلیدی: نارسایی شناختی، نارسایی هیجانی، تعارضات زناشویی، طلاق، زنان.

مقدمه:

پژوهشگران در مورد اینکه نارسایی های شناختی با بروز طلاق ارتباط بسیار نزدیکی یا به نوعی زمینه ساز بروز این مشکل می شود، موافق اند (۵،۴). مشکلات شناختی علل اکثر مشکلات رفتاری و تعارضات بین فردی است و باعث سوء تعبیر رفتارهای فرد می شود (۷،۶).

در کنار بعد شناختی نباید از اهمیت بعد هیجانی نیز غافل بود. نارسایی هیجانی عبارت است از دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات برای دیگران، دشواری در تمایز بین احساسات و تهییج های بدنی مربوط به برانگیختگی هیجانی (۹،۸). نارسایی هیجانی می تواند منجر به دشواری در پردازش اطلاعات هیجانی،

تعارضات و اختلافات شدید زناشویی یکی از عوامل مهمی است که کیفیت زندگی زناشویی و پایداری ازدواج را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می دهد (۱). عوامل فردی و شخصیتی به عنوان یکی از عوامل موثر در تعارضات زناشویی و به طبع آن پدیده ی طلاق، نقش مهمی دارند. نارسایی های شناختی (Cognitive Failures) و نارسایی هیجانی (Alexithymia) از جمله ی این عوامل هستند. نارسایی های شناختی شامل خطاهایی می باشد است که فرد در انجام دادن تکالیفی که به طور طبیعی قادر به انجام آن است، مرتکب می شود. خطاهایی که به طور روزانه در توجه، حافظه و ادراک رخ می دهد (۳،۲).

دشواری در فهم بیان چهره ای و به تبع آن ظرفیت کمتر برای همدلی شود (۱۰). توانایی تشخیص عواطف و هیجان ها و توانایی ابراز آن‌ها برای حفظ یک رابطه عاشقانه و رضایت بخش ضروری است. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معنی دار بین ابراز متقابل عواطف در زوجها و خود آشکارسازی بیشتر در رابطه با کیفیت زندگی زناشویی وجود دارد (۱۱-۱۳).

شناخت عوامل دخیل در تعارضات زناشویی و پدیده طلاق با توجه به تبعات سنگینی که برای افراد و جامعه دارد، می تواند نقش مهمی در پیشگیری و کاهش آمار مربوط به آن داشته باشد. عوامل روان‌شناختی نیز اهمیت زیادی در این موضوع دارند و نباید از آن‌ها غفلت نمود. در واقع مطالعه توانمندی‌های شناختی و هیجانی در شناخت علل طلاق و پیشگیری از آن و غنی‌سازی روابط یاری می‌رساند. از سوی دیگر در ایران پژوهش خاصی روی این متغیرها صورت نگرفته و جا دارد که نقش اینگونه متغیرهای روان‌شناختی مهم را در بروز مشکلات زناشویی مشخص گردد، چون مولفه‌های شناختی و هیجانی نقش بسزایی می‌تواند در وضعیت روان‌شناختی و به تبع آن در وضعیت زناشویی افراد متأهل داشته باشد؛ بنابراین با توجه به اهمیت نارسایی شناختی به‌عنوان یکی از مولفه‌های مهم شناختی و نارسایی هیجانی به‌عنوان یکی از مولفه‌های مهم هیجانی هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش نارسایی‌های شناختی و هیجانی به‌عنوان در پیش بینی تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق است.

روش بررسی:

روش پژوهش انتخاب‌شده در این تحقیق از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شهر شیراز که از آبان ۱۳۹۲ لغایت خرداد ۱۳۹۳ درخواست خودشان را به‌منظور انجام طلاق به یکی از شعب دادگاه‌های شهر شیراز ارائه نموده‌اند و حداقل دو سال از ازدواج آن‌ها می‌گذشت، تشکیل دادند. در این میان، ۱۰۰ نفر به روش

نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پژوهشگر در دادگاه‌ها حضور یافت و با توضیح اهداف پژوهش خود به زنان متقاضی طلاق از آنان درخواست کرد تا در صورت تمایل و به‌صورت کاملاً نامشخص در این پژوهش شرکت کنند و تأکید شد که اطلاعات آنان کاملاً محرمانه می‌ماند. در مورد انتخاب ۱۰۰ نفر نمونه باید اشاره کرد که بنا به نظر دلاور در روش‌های همبستگی حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر پیشنهاد شده است، اما برای افزایش اعتبار بیرونی، ۱۰۰ آزمودنی به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند (۱۴).

در این پژوهش از ابزارهای مقیاس نارسایی شناختی (Cognitive Failures Questionnaire)، مقیاس نارسایی هیجانی (Alexithymia scale) و پرسشنامه تعارضات زناشویی استفاده شد. مقیاس نارسایی شناختی ۲۵ ماده دارد که در سال ۱۹۸۲ توسط Broadbent و آزمودنی به این ماده‌ها به‌صورت یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از «هرگز» تا «همیشه») پاسخ می‌دهد. این پرسشنامه ۴ مولفه دارد که عبارت‌اند از: حواس‌پرتی، مشکلات مربوط به حافظه، اشتباهات سهوی و عدم یادآوری اسامی. در پژوهشی که در ایران انجام شد، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۴ گزارش شد (۱۵). همچنین مقیاس نارسایی هیجانی (آلکسی تایمیا) تورنتو ۲۰ سؤال دارد که به‌صورت ۳ درجه‌ای (کاملاً، تا حدودی و به هیچ‌وجه) پاسخ داده می‌شود و ۳ عامل ناتوانی در شناسایی احساسات، ناتوانی در توصیف احساسات و سبک تفکر عینی را می‌سنجد. در طی یک بررسی که توسط بشارت انجام شد، پایایی این مقیاس در جامعه ایرانی و به شیوه ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ گزارش شد (۱۶). سرانجام پرسشنامه تعارضات زناشویی یک ابزار ۴۲ سؤالی است که توسط ثنایی و همکاران برای سنجیدن تعارضات زن‌وشوهری ساخته شده است. برای هر سؤال ۵ گزینه در نظر گرفته شده است که به‌تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن‌ها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در پژوهشی پایایی محاسبه شده به شیوه ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۷۶ گزارش شد (۱۷).

در پژوهش حاضر ۱۰۰ زن با میانگین سنی ۳۲/۴۱ و انحراف معیار ۶/۰۱ شرکت کردند. اکثریت زنان (۵۱٪)، دارای مدرک دیپلم بودند. جدول شماره ۱ یافته‌های تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد.

داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS به شیوه ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند.

یافته‌ها:

جدول شماره ۱: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	R ²	F	P
تعارضات زناشویی	نارسایی هیجانی	۰/۲۳۱	۳۶/۳۴	(۰/۰۰۱)
	نارسایی شناختی	۰/۳۲۱	۲۷/۱۲	(۰/۰۰۱)

در معرض طلاق دارند. یافته ای که همسو با سایر پژوهش‌های انجام شده بار دیگر گوشزد می‌کند که نارسایی شناختی (حواس‌پرتی، مشکلات مربوط به حافظه، اشتباهات سهوی و عدم یادآوری) و نیز ناتوانی در بیانگری عواطف و یا همان نارسایی هیجانی، ارتباط زیادی با تعارضات زناشویی دارد (۷-۱۳، ۴-۱۰).

در تبیین می‌توان چنین استدلال کرد شخص در حالت نارسایی شناختی دچار مشکلاتی در تجربه موقعیت‌های عادی روزانه می‌شود که با کنترل کردن پردازش مرتبط است مانند تمرکز بر توجه، این احتمال وجود دارد که فرد نتواند ضرورت‌ها و الزامات زندگی زناشویی را به گونه‌ای مناسب مورد توجه و پردازش و ارزیابی قرار دهد (۲، ۳). به عبارتی دیگر، برخی اشتباهات ناخواسته و ناشی از موقعیت‌های ناگهانی، حواس‌پرتی و عدم توجه فرد با ایجاد اشکال در مورد توجه، پردازش و ارزیابی قرار دادن موقعیت‌های مختلف زندگی مانع انجام صحیح تکالیف زناشویی در قبال همسر می‌شود که این مسئله نیز می‌تواند منجر به نارضایتی همسر از وضعیت موجود شود که اگر این مشکل در کنار عوامل مسئله‌ساز دیگر ادامه پیدا کند می‌تواند منجر به دلزدگی همسر از زندگی زناشویی و تصمیم‌گیری او برای طلاق بشود (۴، ۵).

نارسایی شناختی و هیجانی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و تعارضات زناشویی به‌عنوان متغیر ملاک، با روش گام‌به‌گام وارد معادله شدند. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای نارسایی شناختی و هیجانی بهترین پیش‌بینی‌کننده تعارضات زناشویی بوده‌اند. نسبت‌های معنی‌دار F، نشانگر ارتباط معنی‌دار این متغیرها با تعارضات زناشویی است ($P < 0/001$). با توجه به نتایج R² موجود در جدول، می‌توان نتیجه گرفت که نارسایی هیجانی حدود ۲۳٪ از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می‌کند و در مرحله بعد با اضافه شدن نارسایی شناختی میزان R² به ۳۲٪ افزایش یافت. در مجموع نارسایی شناختی و هیجانی توانستند ۳۲٪ از واریانس تعارضات زناشویی را به‌صورت مثبت تبیین کنند.

بحث:

هدف پژوهش حاضر نیز بررسی نقش نارسایی‌های شناختی و هیجانی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق بود. پژوهش حاضر به این نتیجه رسید که نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی توان بالایی برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان

عاطفی زن و شوهر در رابطه‌ای صمیمانه و زناشویی است، زمانی که فرد فاقد ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم برای درک حالات هیجانی خود و شریک زندگی باشد، در نتیجه رابطه زناشویی آسیب می‌بیند و تحملشان در برابر تعارضات زناشویی کم می‌شود، در نتیجه به احتمال بیشتری در معرض شکنندگی روان‌شناختی، بی‌ثباتی ازدواج و طلاق قرار می‌گیرند.

نارسایی‌های شناختی و هیجانی از طریق تأثیرگذاری منفی بر صمیمیت زناشویی و تأثیر مثبت بر تعارضات زناشویی، راه را برای طلاق باز می‌کنند، زیرا لازمه صمیمیت، شناخت صحیح از همسر، درک متقابل و بیان احساسات است، اما نارسایی شناختی و نارسایی هیجانی مانع شناخت صحیح دیگران و بیان مطلوب خویش شده و از صمیمیت و رضایتمندی زناشویی جلوگیری می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین نارسایی‌های شناختی و هیجانی با تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق وجود دارد و این دو متغیر پیش‌بین‌دارای توان نسبتاً بالایی در پیش‌بینی متغیر ملاک یعنی تعارضات زناشویی بودند. این پژوهش بر روی جمعیت آماری زنان در معرض طلاق شهر شیراز صورت گرفته است و باید در تعمیم یافته‌ها احتیاط کرد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند با برگزاری دوره‌هایی مبتنی بر کاهش نارسایی‌های شناختی و هیجانی و آموزش مهارت‌های لازم قدم‌های سازنده در زمینه کاهش نرخ طلاق و افزایش عملکرد خانواده‌ها برداشت.

تشکر و قدردانی:

در پایان محققان بر خود لازم می‌دانند که از همه عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری نمودند، از جمله تمامی زنان شرکت‌کننده در این پژوهش، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشند.

تعارض زناشویی یک پدیده میان فردی است که هردو زوج را به روش‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. حواس‌پرتی و عدم توجه فرد در زندگی زناشویی ممکن است از سوی همسرش، به‌عنوان بی‌توجهی عمدی او برای اجتناب از ادای تکالیف روزمره و زناشویی تعبیر شود و همسر فرد این مسئله را به‌عنوان تلاشی عمدی فرد برای نادیده گرفتن وظایف و مسئولیت‌های خود تعبیر کند. در این چنین حالتی شخص یا سعی می‌کند که با این برداشت و تعبیر همسرش مقابله و مخالفت کند که این چنین حالتی باعث اضطراب شخص و استرس زناشویی در او می‌شود، یا اینکه سعی در رفع چنین سوء برداشتی می‌کند که این تلاش نیز اگر تلاشی کارآمد و سالم نباشد منجر به نارضایتی طرفین می‌شود که در افرادی که در مرحله طلاق قرار دارند، احتمالاً وجود چنین تلاش ناکارآمدی بیشتر از سایرین بوده است. در واقع، چنین برداشتی از نقص توجه فرد توسط همسرش بر رضایت زناشویی آنان اثرات منفی گذاشته و ایجاد ناراحتی و اختلافات بیشتری را دامن می‌زند. همچنین نارسایی شناختی و ناتوانی در ادراک صحیح از رفتار طرف مقابل و دیدگاه دیگری که مانع همدلی می‌شود، می‌تواند به ناتوانی در بخشیدن دیگران نیز منجر شود (۳-۵).

همچنین وقتی طرفین در فهم حالات عاطفی و هیجانات خود و در ابراز و بیان مناسب آن‌ها به همسر خود و یا در فهم و درک احساسات و هیجانات همسر خود دچار مشکل و ناتوان باشند، می‌تواند صمیمیت و نزدیکی روان‌شناختی بین آن‌ها را به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار دهد و زن و شوهر را از یکدیگر دور کند، به‌تبع آن میزان طلاق عاطفی و بی‌ثباتی ازدواج در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه به‌مرور زمان شدید شدن این احساسات ناخوشایند می‌تواند زمینه‌ساز شدت یافتن تعارضات و ایجاد عدم تمایل به ادامه دادن این رابطه ناخوشایند و گرایش و اقدام به طلاق شود (۱۲-۱۸، ۱۰). یکی از مهم‌ترین خاصیت‌های ازدواج ارضاء نیازهای

منابع:

1. Ahmadi K, Rezazade M, Saadat H, Kimiaei SA, Zade NH. Contribution of marital conflict to marital quality in short and long-term marriages: An actor-partner interdependence model. *J Educ Health Promot*. 2015; 4: 42-5.
2. Bridger RS, Johnsen SAK, Brasher K. Psychometric properties of the cognitive failures questionnaire. *Ergonomics*. 2013; 56(10): 1515-24.
3. Carrigan N, Barkus E. A systematic review of cognitive failures in daily life: Healthy populations. *Neurosci Biobehav Rev*. 2016; 63: 29-42.
4. Xu M, Thomas PA, Umberson D. Marital quality and cognitive limitations in late life. *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*. 2015; 71(1): 165-76.
5. Ebrahimi A, Zeinodini SS, Merasi MR. The association between psychopathology of family relationships and cognitive vulnerability (Dysfunctional Attitude and Interpersonal Cognitive Distortion). *J Res Med Sci*. 2012; 29(167): 1- 9.
6. Payne TW, Schnapp MA. The relationship between negative affect and reported cognitive failures. *Depress Res Treat*. 2014; 1: 1-7.
7. Remberk B, Namysłowska I, Rybakowski F. Cognition and communication dysfunctions in early-onset schizophrenia: Effect of risperidone. *Prog Neuropsychopharmacol Biol Psychiatry*. 2012; 39(2): 348-54.
8. Cook R, Brewer R, Shah P, Bird G. Alexithymia, not autism, predicts poor recognition of emotional facial expressions. *Psychol. Sci*. 2013; 24(5): 723-32.
9. Roelofs RL, Wingbermühle E, Freriks K, Verhaak CM, Kessels RP, Egger JI. Alexithymia, emotion perception, and social assertiveness in adult women with Noonan and Turner syndromes. *Am J Med Genet A*. 2015; 167(4): 768-76.
10. Gleichgerricht E, Tomashitis B, Sinay V. The relationship between alexithymia, empathy and moral judgment in patients with multiple sclerosis. *Eur J Neurol*. 2015; 22(9): 1295-303.
11. Frye-Cox NE, Hesse CR. Alexithymia and marital quality: The mediating roles of loneliness and intimate communication. *J Fam Psychol*. 2013; 27(2): 203-9.
12. Besharat MA, Ghanghi P. The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. *J Fundament Mental Health*. 2013; 14(4): 324-35.
13. Jarareh J. Surveying the effects of alexithymia in family function of couple's referring to the counseling and psychotherapy centers. *J Cancer Educ*. 2013; 7(19): 7. 14.
14. Delaware A. Theoretical principles and practical research in the humanities and social sciences. Tehran: Roshd Pub; 2001.
15. Abolghasemi A. Surveying the relationship between meta cognition and religious beliefs with cognitive failure among middle aged and elderly people. Research report. Mohaghegh University of Ardabil; 2007.
16. Besharat MA. Reliability and factorial validity of a Farsi version of the 20-item Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. *Psychol Rep*. 2007; 101(1): 209-20.
17. Tavakolizadeh J, Nejatian M, Soori A. The effectiveness of communication skills training on marital conflicts and its different aspects in women. *Procedia Soc Behav Sci*. 2015; 171: 214-21.
18. Bloch L, Haase CM, Levenson RW. Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion*. 2014; 14(1): 130-44.

The role of cognitive failure and alexithymia in marital conflicts of women who apply for divorce

Abbasi M¹, Dargahi S², Ghasemi Jobaneh R^{3*}

¹Psychology Dept., Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, I.R. Iran; ²Student, Psychology and Educational Science Dept., Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, I.R. Iran;

³Student, Counseling Dept., Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, I.R. Iran.

Received: 20/Oct/2014

Accepted: 21/Feb/2017

Background and aims: Marital conflicts and subsequent divorce occur due to various factors that one of them is psychological factors. Therefore, this study aimed to investigate the role of cognitive failure and alexithymia in marital conflicts of women exposed to divorce.

Methods: The current research is a correlation study. 100 women of applying divorce in Shiraz city were selected by convenience sampling and responded to the cognitive failure, alexithymia scale and marital conflict questionnaire. In analyzing the data, stepwise regression analysis was used.

Results: The results showed that predictor variables could predict in positive and significant manner marital conflicts of women who exposed for divorce. In the first stage, alexithymia could explain about 23% of the variance of marital conflict and in the next stage, the predicted amount with adding cognitive failure increased to 32 percent ($P < 0.01$).

Conclusion: Cognitive failure and alexithymia could be one of the reasons of marital conflicts in women exposed for divorce. So, training skills like these is essential for marriage.

Keywords: Cognitive Failure, Alexithymia, Marital Conflicts, Divorce, Women.

Cite this article as: Abbasi M, Dargahi S, Ghasemi Jobaneh R. The role of cognitive failure and alexithymia in marital conflicts of women who apply for divorce. J Shahrekord Univ Med Sci. 2018; 20(1): 1-6.

***Corresponding author:**

Counseling Dept., Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, I.R. Iran. Tel: 00989119320825,
E-mail: rghasemi.jobaneh@yahoo.com